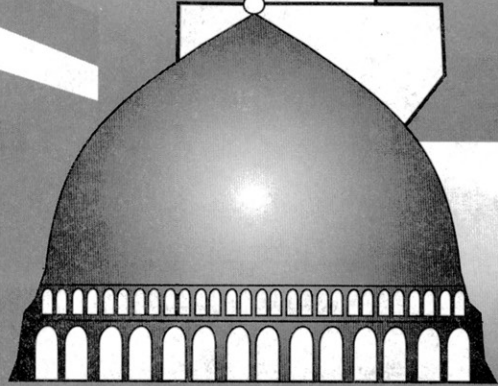
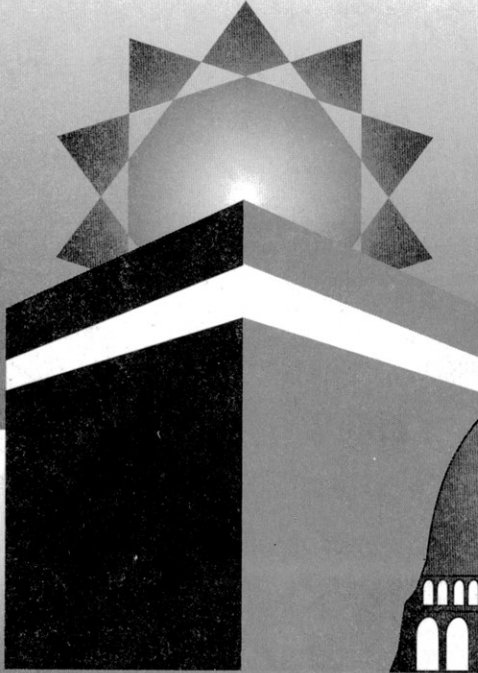
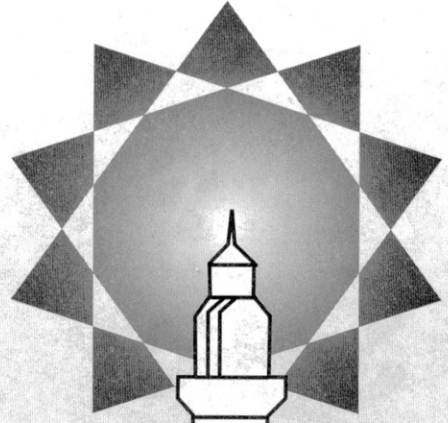


فتوح



# قربانی در حج تمتع



یعقوب علی برجی

میتا میتا میتا میتا میتا میتا میتا میتا میتا میتا میتا میتا میتا میتا میتا میتا میتا میتا میتا

## مکان قربانی

فقیهانی چند، تنها به ذکر «منا» به عنوان مکان ذبح اکتفا کرده و در این باره که «آیا در غیر منا نیز می‌توان ذبح کرد یا نه» سخنی نگفته‌اند. مرحوم شیخ صدوق در اعمال منا می‌نویسد:

«ثُمَّ امْضِ إِلَىٰ مِنَىٰ... ثُمَّ اشْتَرِ هَدِيكَ...»<sup>۲</sup>

شیخ مفید می‌نویسد:

«فَإِذَا طَلَّتِ الشَّمَمَ فَلْيَبِضْ مِنْهَا إِلَىٰ مِنَىٰ... ثُمَّ يَشْتَرِي هَدِيَهُ...»<sup>۳</sup>

ابوالصلاح حلبی می‌نویسد:

«ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَىٰ مِنَىٰ فَيَشْتَرِي هَدِيَا لِمَتَعَتِهِ إِنْ كَانَ مَتَمِّعًا»<sup>۴</sup>

## قربانی، محل و مصرف آن

اصل «وجوب ذبح قربانی در حج تمتع» از مسائل مسلم در فقه شیعه و مورد اتفاق همه فقیهان است. قرآن کریم و نیز روایات متعدد، به صراحت بر وجوب آن دلالت دارد.

خدای متعال می‌فرماید:

«فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ»<sup>۱</sup>

لازم به گفتن است که ما در این مقال

در پی اثبات اصل «وجوب قربانی» نیستیم بلکه بر آنیم که با استفاده از منابع معتبر دینی، درباره «مکان و کیفیت مصرف آن» مطالبی را تقدیم کنیم.



ذبح بر حاجی و زائری که حج تمتع انجام می‌دهد، و از محل ذبح سخنی به میان نیاورده است؛ مانند روایت زرارة بن اعین:

«عن زرارة بن اعین، عن أبي جعفر - ع - في المتمتع، قال عليه الهدی»؛<sup>۷</sup> زراره از امام باقر - ع - در مورد متمتع می‌پرسد، حضرت می‌فرماید: «بر او لازم است قربانی کند.»

۲ - دسته دیگر روایاتی است که به صراحت دلالت می‌کند بر وجوب ذبح در منا و عدم کفایت ذبح در غیر منا؛ مانند روایات ذیل:

الف: عن ابراهيم الكرخي عن أبي عبدالله - ع - في رجل قدم بهديه مكة في العشر فقال: «إن كان هدياً واجباً فلا ينحرد إلا بمنى»؛<sup>۸</sup>

ابراهیم کرخی از امام صادق - ع - در مورد کسی که هدی (قربانی) را در دهه اول ذیحجه به مکه آورده سؤال می‌کند، حضرت پاسخ می‌فرماید: «اگر هدی، هدی واجب است جز در منا حق ندارد قربانی کند.»

این روایت از نظر سند مشکل دارد و ابراهیم کرخی توثیق نشده است.

ب: عن مسمع عن أبي عبدالله - ع - قال: «مِنِّي كُلُّهُ مَنَحَرٍ...»؛<sup>۹</sup>

مسمع از امام صادق - ع - نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «همه جای منا قربانگاه است...»

گروهی دیگر از فقیهان تصریح کرده‌اند که ذبح واجب برای حج تمتع، در غیر منا جایز نیست و اولین فقیهی که به این مطلب تصریح نموده مرحوم شیخ طوسی است، آن فرزانه جاوید چنین فرموده است:

«الهدی واجب علی المتمتع بالعمرة إلى الحج... ولا يجوز أن يذبح الهدی الواجب في الحج إلا بمنى»<sup>۵</sup>

پس از مرحوم شیخ، ابن ادریس - رحمه الله - به این مطلب تصریح کرده، می‌نویسد:

«ولا يجوز أن يذبح الهدی الواجب إلا بمنى يوم النحر أو بعده، فإن ذبح بمكة أو بغير منى لم يجزه»<sup>۶</sup>

### ادله وجوب ذبح در منا:

مهمترین دلیل وجوب ذبح در منا، روایات رسیده از پیامبر - ص - و امامان معصوم - علیهم السلام - است. لازم است ابتدا روایات را نقل کرده و از نظر سند و دلالت مورد دقت قرار دهیم و آنها را جمع‌بندی نماییم.

روایات رسیده در این موضوع را به چند دسته می‌توان تقسیم نمود:

۱ - روایاتی که دلالت دارد بر وجوب

در سند این روایت لؤلؤی واقع شده که وی تضعیف گردیده است.

ج: عن عبدالأعلى قال: قال أبو عبد الله - ع - : « لا هدي إلا من الإبل ولا ذبح إلا بمنى »<sup>۱۰</sup>

این عبدالأعلى مردّد است بین «عبدالأعلى بن اعين بجلی» که توثیق شده و «عبدالأعلى بن اعين» آل سام که تضعیف گردیده است. بنابراین روایت از اعتبار می‌افتد.

د: عن منصور بن حازم، عن أبي عبد الله - ع - في رجل يضلّ هديه فوجده رجل آخر فينحره، فقال: «إن كان نحره بمنى فقد أجزأ عن صاحبه الذي ضلّ عنه وإن كان نحره في غير منى لم يجز عن صاحبه»<sup>۱۱</sup>

این روایت از نظر سند صحیح است. ۳ - دسته سوم روایاتی است که دلالت دارد بر این که قربانی کردن در مکه نیز جایز است؛ مانند:

عن معاوية بن عمار، قال: قلت لأبي عبد الله - ع - : «إن أهل مكة أنكروا عليك أنك ذبحت هديك في منزلك بمكة، فقال: إن مكة كلها منحر»<sup>۱۲</sup>

این روایت از نظر سند مشکلی ندارد. ۴ - دسته چهارم آیه قرآن و روایتی در تفسیر آن است که دلالت دارد منا مکان ذبح است اما از بیان این که در غیر منا ذبح

جایز است یا نه، ساکت است.

خدای متعال می‌فرماید:

«اتموا الحجّ والعمرة لله فإن أحصرتم فما استيسر من الهدى ولا تحلقوا رؤوسكم حتى يبلغ الهدى مجله»<sup>۱۳</sup>

از آیه اجمالاً فهمیده می‌شود که برای قربانی محل خاصی است اما آن محل کجا است، آیه بر آن اشاره نکرده، و در روایت معتبری «محل» به «منا» تفسیر شده است: عن زرعة قال: «سألته عن رجل أحصر في الحجّ، قال: فليبعث بهديه إذا كان مع أصحابه ومحلّه أن يبلغ الهدى محلّه ومحلّه منى يوم النحر إذا كان في الحجّ»<sup>۱۴</sup>

اگر از آیه به ضمیمه روایت فهمیده شود که محل ذبح «منا» است و در غیر منا ذبح صحیح نیست، این دسته به دسته دوم از اخبار ملحق خواهد بود و دسته مستقلی محسوب نمی‌گردد.

### جمع بندی روایات:

روایات دسته اول که از محل ذبح سخن به میان نیاورده و دسته چهارم، با گروههای دیگر هیچگونه تنافی ندارد، مهم جمع میان روایات دسته دوم و چهارم با دسته سوم است. دسته دوم و چهارم دلالت می‌کنند که ذبح در خارج از منا کفایت نمی‌کند و دسته سوم دلالت دارند بر کفایت

ذبح کند. [و در صورت تعارض] اولی این است که طبق خبر اول حکم شود زیرا خبر اول (روایت ابراهیم کرخی) میان واجب و مستحب تفصیل داده و این خبر از این جهت مجمل است و هر یک از واجب و مستحب را محتمل است.

بعد از شیخ این توجیه در کلام فقیهان رایج شده و تعدادی از فقیهان با حمل روایت معاویة بن عمار بر هدی مستحب، دو دسته روایات را جمع کرده‌اند.<sup>۱۶</sup>

### اشکال محقق اردبیلی بر راه حل شیخ

مرحوم محقق اردبیلی بعد از نقل راه حل شیخ می‌نویسد:

«وفي هذا التأويل تأمل لعدم ظهور سند الخبر الأول و ظهور كون الثانی في هدی التمتع و لو لم يكن اجماع لكان القول بالجواز في مكة جيداً»<sup>۱۷</sup>

«این تأویل شیخ مورد تأمل است زیرا سند خبر اول «ابراهیم کرخی» روشن نیست [چون ابراهیم کرخی مجهول است] و روایت معاویة بن عمار هم ظهور در حج تمتع دارد. و اگر اجماعی نباشد قول به جواز ذبح قربانی در مکه پسندیده خواهد بود.»

### بررسی

روایات دسته اول منحصر در روایت

ذبح هدی (قربانی) در مکه که لازمه‌اش جواز ذبح در خارج منا است.

باید دید چگونه میان این دو دسته از روایات می‌توان جمع کرد.

برای جمع‌بندی این دو گروه از روایات، شیوه‌های مختلف پیش گرفته شد. جهت دست یافتن به راه حل صحیح لازم است این شیوه‌ها را با معیارهای فنی محک زده و سره را از نا سره جدا سازیم. و اینک به طرح و رسیدگی این راه حل‌ها می‌پردازیم:

### ۱ - راه حل پیشنهادی شیخ طوسی

مرحوم شیخ طوسی بعد از نقل روایت معاویة بن عمار، در مقام جمع‌بندی می‌نویسد:

«فليس في هذا الخبر أنه ذبح هديه الواجب ويحتمل أن يكون هديه كان تطوعاً وذلك جائز ذبحه بمكة بدلالة الخبر الأول والحكم بالخبر الأول أولى لأنه مفضل وهذا الخبر مجمل محتمل».<sup>۱۵</sup>

این روایت دلالت ندارد که امام قربانی واجب را در مکه ذبح نموده و احتمال دارد هدی مستحبی بوده، و روایت اول (ابراهیم کرخی) دلالت دارد که قربانی مستحب را حاجی می‌تواند در مکه

عمرة أو مندوب».<sup>۱۹</sup>

### بررسی

روایت فوق نه تنها نمی‌تواند شاهد حمل روایت معاویة بن عمار بر عمره باشد، بلکه ظاهرش مؤید مفاد روایت معاویة بن عمار است و بر جواز ذبح در مکه دلالت دارد؛ زیرا وقتی عبّاد بصری به امام اعتراض می‌کند که چرا هدی عمره را در منزل خود ذبح نمودی؟ امام - ع - در پاسخ می‌فرماید: همچنانکه در هدی تمتع پیامبر خود، در منا ذبح کرد و برای مردم توسعه داد و اجازه داد در منازل خود ذبح کنند در عمره نیز چنین است و مردم در توسعه هستند می‌توانند در منازل خود ذبح نمایند (اگر چه پیامبر - ص - خود در کنار کعبه ذبح نمودند).

### نتیجه‌گیری

تا کنون ثابت شد راه‌حلهایی که برای جمع میان اخبار ارائه گردیده هیچ کدام تمام نیست و از نظر فنی وقتی جمع عرفی میان اخبار متعارض ممکن نشد نوبت می‌رسد به اجرای قواعد «تعادل و تراجیح». از این زاویه وقتی این دو دسته از روایات مورد ملاحظه قرار گیرد، معلوم می‌گردد که از دو جهت ترجیح با روایاتی است که دلالت بر

ابراهیم کرخی نیست تا به خاطر ضعف سند کنار گذاشته شود بلکه در میان آن روایات، روایت صحیحهای نیز وجود دارد؛ مانند صحیح منصور بن حازم که دلالت دارد بر عدم جواز ذبح در غیر منا.

### ۲ - راه حل پیشنهادی محقق سبزواری، نراقی و صاحب حدائق

مرحوم محقق سبزواری در مقام جمع‌بندی روایات و بعد از نقل جمع‌بندی شیخ می‌نویسد:

«ويحتمل حملها على سياق العمرة يؤيده ما رواه الشيخ في الموثق عن إسحاق بن عمار أن عبّاد البصري جاء إلى أبي عبدالله - ع - وقد دخل مكة بعمرة مبتولة وأهدى هدياً، فأمر به فنحر في منزله بمكة فقال له عبّاد: نحرته الهدى في منزلك وتركت أن تنحره بفناء الكعبة وأنت رجل يؤخذ منك؟ فقال له: ألم تعلم أن رسول الله - ص - نحر هديه بمنى في المنحر وأمر الناس فنحروا في منازلهم وكان ذلك موسعاً عليهم فكذاك هو موسع على من ينحر الهدى بمكة في منزله إذا كان معتمراً».<sup>۱۸</sup>

مرحوم نراقی می‌نویسد:

«أما بعض الأخبار المتضمنة لهدى الإمام في غير منى ففضاها في وقایع لا يفيد عموماً ولا إطلاقاً فلعل هديه كان في

ابراهیم کرخی مجهول بوده و توثیق نشده است. روایت عبدالاعلی هم از نظر سند مشکل دارد و هم از نظر دلالت؛ زیرا در سند آن عبدالاعلی قرار دارد که مردّد است بین ضعیف و موثّق و از نظر دلالت نیز قابل مناقشه است؛ زیرا جمله «لا ذبح إلا بمنی» در سیاق جمله «لا هدی إلا من الإبل» قرار گرفته. جمله «لا هدی...» مسلم در مقام بیان کمال است نه صحت روی اتحاد سیاق جمله «لا ذبح...» نیز مرتبه کامل ذبح را بیان کند و کمال ذبح آن است که در منا واقع شود و یا لا اقل احتمال این معنا در روایت هست در نتیجه مجمل می‌شود.

روایت مسمع نیز هم از نظر سند مشکل دارد و هم از نظر دلالت. از نظر سند ضعف آن به خاطر قرار گرفتن حسن لؤلؤی در سلسله سند است و از نظر دلالت نیز مورد مناقشه است؛ زیرا این روایت می‌گوید: تمام منا منحر (محل نحر) است اما دلالت ندارد، که غیر منا منحر نیست. (اثبات شیء نفي ما عدا نمی‌کند) بله از جمله «منا کله منحر» استفاده می‌شود که برای منا خصوصیتی است اما شاید آن خصوصیت این باشد که دلالت کند همه منا منحر است، بخلاف جاهای دیگر که ممکن است

عدم جواز ذبح در غیر منا دارد؛ زیرا این دسته از روایات هم موافق با عمل مشهور فقها است.

مرحوم ملا محمد باقر سبزواری می‌نویسد:

«الثالث وجوب ذبحه بمنی وهذا الحكم مقطوع به في كلام الأصحاب واسننده في المنتهى والتذكرة إلى علمائنا».<sup>۲۰</sup>

و هم مخالف با عامه است؛ زیرا اکثر مذاهب عامه ذبح در غیر منی را جایز می‌دانند. و در جای خود ثابت شده که این دو (موافقت با مشهور و مخالفت با عامه) جزء مرجحات هستند و در نتیجه تقدم با اخباری است که دلالت بر عدم جواز ذبح در غیر منا دارد.

لیکن مشکلی وجود دارد و آن این است که تقدّم دسته دوم از روایات منوط بر این است که از نظر سند و دلالت تمام باشند تا توان معارضه با روایات دسته سوم که دلالت بر توسعه محل ذبح دارد، را داشته باشند لذا باید سند و دلالت یکایک این اخبار رسیدگی بشود.

روایت اول روایت ابراهیم کرخی است، این روایت گرچه از نظر دلالت روشن است ولی از نظر سند مشکل دارد؛ زیرا

یک قسمت آن منحر باشد.

باقی می ماند تنها روایت منصور بن حازم، این روایت گرچه از نظر سند صحیح است اما از نظر دلالت قابل مناقشه است و مرحوم صاحب جواهر با یک جمله کوتاه به آن مناقشه اشاره کرده، می نویسد:

«لکن فيه أنه مبني على اجزاء التبرع وإلا كان مطرحاً».<sup>۲۱</sup>

«لیکن اشکال روایت این است که روایت مبتنی است بر کفایت ذبح تبرعی و آلا روایت مطروحه خواهد بود.»

چنانکه مرحوم صاحب جواهر اشاره کرده، دلالت روایت مبتنی بر این است که نیابت تبرعی در ذبح مجزی باشد؛ زیرا روایت در مورد نیابت تبرعی وارد شده است و فقها قائل به عدم اجزاء نیابت تبرعی هستند بنابراین عملاً این روایت را طرح کرده و به آن عمل نکرده اند تنها دلیلی که باقی می ماند سیره عملی مسلمانان است که از زمان پیامبر تا کنون ادامه دارد دعوی هم از ناحیه شارع نشده است.

### مصرف قربانی

بی شک هر یک از اعمال پر از حرکت و برکت حج، دارای اسرار و حکمت های فراوانی است؛ یکی از این اعمال، عمل

قربانی در روز عید قربان در صحرای منا است. از آیات قرآن روایات امامان معصوم - علیهم السلام - استفاده می شود که یکی از حکمت های بسیار مهم قربانی، اطعام مساکین و سیر کردن گرسنگان است. در نصوص دینی مصرف گوشت قربانی به عنوان یک واجب در کنار ذبح معرفی شده و در حقیقت از ارکان قربانی محسوب می گردد لذا فقیهان نامدار شیعه هر گاه از قربانی بحث می کنند بلافاصله از مصرف آن نیز سخن به میان می آورند و کیفیت مصرف آن را نیز بیان می کنند. مرحوم صدوق - ره - می نویسد:

«ثم امض الى منى... ثم اشتر هديك... ثم كل وتصدق واطعم واهد الى من شئت».<sup>۲۲</sup>

ابی الصلاح حلبی می نویسد:

«ثم يرجع إلى منى فيشتري هدياً لمعتته... والياكل من هديه ويطعم الباقي».<sup>۲۳</sup>

و همچنین مرحوم شیخ در «النهائية»،<sup>۲۴</sup> ابن بزاح در «المذهب في الفقه»،<sup>۲۵</sup> ابن حمزه در «الوسيلة»،<sup>۲۶</sup> کیزی در «اصباح الشیعه»<sup>۲۷</sup> و... درباره مصرف گوشت قربانی فتوا داده اند گروهی قائل به وجوب تقسیم آن به سه قسمت





حاجی از این نعمت الهی بخورد و انسانهای بیچاره و مستمند را از آن بخوراند.

۲ - «وَالْبُذْنُ جَعَلْنَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطَعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ، كَذَلِكَ سَخَّرْنَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دَمَآؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرْنَا لَكُمْ لَتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَيَشْرِي الْمُحْسِنِينَ»؛<sup>۲۹</sup>

«شترهای چاق و فربه را (در مراسم قربانی حج) برای شما از شعائر الهی قرار دادیم. در آنها برای شما خیر و برکت است؛ نام خدا را (هنگام قربانی کردن) در حالی که به صف ایستاده‌اند بر آنها ببرید؛ و هنگامی که پهلویشان آرام گرفت (و جان دادند) از گوشت آنها بخورید و مستمندان قانع و فقیر را نیز از آن اطعام کنید. این گونه ما آنها را مسخّران ساختیم، تا شکر خدا را به جا آورید نه گوشتها و نه خونهای آنها، هرگز به خدا نمی‌رسد. آنچه به او می‌رسد تقوا و پرهیزکاری شماست. این گونه خداوند آنها را مسخّر شما ساخته، تا او را به خاطر آن که شما را هدایت کرده است بزرگ بشمرید و بشارت ده نیکوکاران را.»

۳ - «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقِلَابَ ذَلِكَ لِيَتَعَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛<sup>۳۰</sup>

«خداوند، کعبه - بیت حرام - را وسیله‌ای

شده که قسمتی را خودش مصرف کند و قسمتی از آن را هدیه دهد و قسمتی را نیز به مستمندان بدهد.

### دلایل لزوم مصرف گوشت قربانی الف: آیات

در تعدادی از آیات قرآن به صراحت دستور به خوردن و خوراندن گوشت قربانی داده شده؛ از آن جمله است:

۱ - «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطَعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ»؛<sup>۲۸</sup>

«مردم را به حج دعوت کن، تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر از هر راه دوری به سوی تو بیایند تا شاهد منافع گوناگون خویش (در این برنامه حیاتبخش) باشند. و در ایام معینی نام خدا را بر چهار پایانی که روزیشان کرده‌ایم (به هنگام قربانی) ببرند. پس از گوشت آنها بخورید و بینویان فقیر را نیز اطعام نمایید.»

در آیات فوق بهره‌برداری از گوشت قربانی را از جمله منافع حج برشمرده و جالب این است که خدای متعال از میان همه منافع حج روزی «بهِيمَةِ الْأَنْعَامِ» را مطرح ساخته و دستور داده است که خود

القانع والمعتز ﴿ فقال القانع الذي يقنع بما أعطيته والمعتز الذي يعترك والسائل الذي يسألك في يديه، والبائس الفقير. ۳۱﴾  
 ۲ - «عن عبدالرحمن بن أبي عبدالله، عن أبي عبدالله - ع - في قول الله - جلّ ثنائه - ﴿فإذا وجبت جنوبها﴾ قال إذا وقعت على الأرض فكلوا منها واطعموا القانع والمعتز...» ۳۲

۳ - «محمد بن علی بن الحسین قال، قال رسول الله - ص - انما جعل الله هذا الأضحى لتشبع مساكينهم من اللحم فاطعموهم» ۳۳

شایان ذکر است که منظور آن دسته از فقیهان که تقسیم گوشت قربانی را به سه قسمت مستحب می‌دانند، این است که شخص نسبت به تثلیث گوشت قربانی تکلیف وجوبی ندارد، نه این که نسبت به اصل مصرف گوشت قربانی تکلیفی نداشته باشد و مجاز باشد در این امر اسراف کند، بلکه ظاهر آیات و روایات باب دبح این است که خوراندن قربانی به فقیران مستمندان لازم است. و به فرض که ادله این باب دلالت بر وجوب مصرف نکند، ادله حرمت اسراف و تبذیر شامل مورد می‌شود و دلالت می‌کند بر حرمت دور انداختن بی مصرف گذاشتن گوشت قربانی. وقتی به مصرف نرساندن گوشت قربانی

برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داد؛ و همچنین ماه حرام، و قربانیهای بی‌نشان و قربانیهای نشان دار را؛ این گونه احکام (حساب شده و دقیق) به خاطر آن است که بدانید خداوند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است می‌داند خدا به هر چیزی داناست.»  
 در آیه فوق «الشهر الحرام والهدی والقلائد» عطف بر «الکعبه» و درحقیقت آنها نیز مفعول اول برای «جعل» می‌باشند و مفعول دوم آن؛ یعنی «قیاماً للناس» به قرینه ما قبل حذف شده و در حقیقت آیه قربانی‌های بی‌نشان و بانشان حج را به عنوان قیام و قوام زندگی انسانها معرفی کرده و از جهت «قیاماً للناس» بودن در ردیف کعبه قرار داده است و در قسمت دوم آیه فرمان به ذبح قربانی را، فرمانی برخاسته از علم گسترده خداوند معرفی کرده که نشان دهنده اسرار و حکمت‌هایی است که در این تکلیف الهی نهفته است.

### ب: روایات

روایات فراوانی دلالت بر مصرف قربانی و کیفیت مصرف آن دارد که چند نمونه از آن را می‌آوریم:

۱ - «عن معاوية بن عمار، عن أبي عبدالله - ع - قال: إذا ذبحت أو نحررت فكل وأطعم كما قال الله: ﴿فكلوا منها واطعموا

هنگام حرکت از وطن یا با تلفن به یکی از اعضای خانواده و یا فامیل خود وکالت دهد که روز عید قربان در ساعت معین گوسفندی یا گاو و ... را به نیت قربانی ذبح نموده و گوشت آن را میان مستمندان تقسیم کنند و حجاج در روز عید پس از اطمینان از ذبح، حلق یا تقصیر نمایند.

### دلیل این راه حل

این راه حل مبتنی بر چند عضو مهم است که به ترتیب نقل می‌شود:

۱ - هیچ یک از قربانگاه‌های فعلی در منا نیست پس شرطیت منا از بین رفته و هیچ دلیلی بر تقدم وادی محسر یا رعایت اقریبیت به منا وجود ندارد.

۲ - آیات و روایات قربانی، ناظر به قربانی‌هایی است که مصرف می‌شود. و هیچ یک از آیات و روایات قربانی اطلاقی ندارند که شامل قربانی‌هایی که مصرف نمی‌شود و سوزانده و از بین می‌رود، نیز بشود.

۳ - به فرض که ادله قربانی اطلاق داشته باشد، نسبت میان ادله قربانی و ادله حرمت اسراف، عموم من وجه است و ماده اجتماع همین قربانی‌هایی است که بی‌مصرف رها شده‌از بین می‌رود. ادله

حرام بود، مصرف آن واجب می‌شود.

### مشکل کنونی قربانی در منا:

بیشتر ثابت گردید که واجب است قربانی حج، تمتع در سرزمین منا ذبح شود و گوشت آن به مصرف فقیران و مستمندان برسد. لیکن با کمال تأسف در حال حاضر هیچ یک از این دو واجب امکان اجرا ندارد؛ زیرا از طرفی قربانگاه‌های فعلی که حجاج وظیفه دارند در آنجا قربانی کنند در منا نیست بلکه در وادی محسر و وادی معیصم قرار دارد. و از طرف دیگر با توجه به کثرت قربانی و کم بودن فقیران و محتاجان و نیز رعایت بهداشت بخش اعظم این گوشت‌ها بی‌مصرف مانده، سوزانده و از بین می‌رود. حال چه باید کرد؟

### راه حل‌های پیشنهادی:

برای حل مشکل قربانی چند راه حل پیشنهاد شده که در ذیل طرح و بررسی می‌گردد:

### کشتن قربانی در (وطن)

برای جلوگیری از هدر رفتن و اسراف این نعمت خدا و رعایت ترتیب میان اعمال روز عید در منا لازم است حجاج محترم

بر اصل تقیید به طور اجمال. حال که عمل به این ادله متعذر است و قید «منا» متعذر است مرجع اطلاعات، ادله‌ای است که دلالت می‌کند بر اصل وجوب ذبح و مقتضای این اطلاعات جواز ذبح است در هر جایی که باشد.»<sup>۳۴</sup>

بیان فوق به صورت فنی راه حل پیشنهادی را تقویت می‌نماید.

#### بررسی

اکثر دلایل این راه حل، قابل مناقشه است که اینک یکایک آنها را می‌آوریم:

#### پاسخ دلیل اول:

مهمترین دلیل راه حل فوق، همان دلیل اول است که از جهات گوناگون قابل نقد است و در حقیقت این دلیل مبتنی بر پیش فرض‌هایی است که هیچکدام تمام نیست؛ زیرا:

اولاً: مبتنی بر این است که هیچ یک از قربانگاه‌های فعلی در «منا» نباشد یا اگر هست ذبح در آن قربانگاهها عسر و حرج یا منع قانونی داشته باشد و این امر ثابت نیست و طبق اظهار نظر بعضی از افراد مطلع، هنوز در خود منا مذبح‌هایی هست که بدون هیچ مشکل تعدادی می‌توانند در آنجا

قربانی در منا دلالت دارد بر وجوب این قبیل قربانی‌ها و ادله حرمت اسراف دلالت می‌کند بر حرمت آنها. چه کسی گفته تقدم با ادله وجوب قربانی در منا است. افزون بر این که در وضع فعلی دعایت شرطیت منا در هیچ صورتی ممکن نیست، در حقیقت، امر دایر است میان قربانی در وادی محسر که نه رعایت شرطیت منا شده و نه رعایت مصرف گوشت و قربانی در وطن که تنها شرطیت منا مقصود است اما مصرف آن کاملاً رعایت می‌شود. طبیعی است که راه دوم محذور کمتری دارد و باید رعایت شود. مرحوم آیت‌الله خوئی، مسأله فوق را از مسائل مستحدثه شمرده و در صورتی که تعذر ذبح در منا تا آخر ذی‌حجه ادامه داشته باشد، شرطیت ذبح در منا را ساقط دانسته و فرموده است: هر جا که بخواهد می‌تواند قربانی کند.

آیه الله خوئی برای اثبات مدعای خود این گونه استدلال کرده است:

«کتاب و سنت به اتفاق دلالت می‌نمایند بر اصل وجوب هدی. ما به دلیل روایات متعددی که دلالت بر وجوب ذبح در منا داشت، اطلاعات را مقید کردیم به منا. لیکن ادله مقید ما اطلاق ندارد و دلالت نمی‌کنند بر تقیید مطلق بلکه دلالت دارند

نظریه را به بسیاری از فقها نسبت داده، می‌نویسد:

«و(محل الذبح) لهدي التمتع  
والحلق منى وحدها من العقبة) وهي خارجه  
عنها (إلى وادي محسر) ويظهر من جعله  
حداً خروجه عنها ايضاً والظاهر من كثير انه  
منها».<sup>۳۵</sup>

«محل ذبح هدی تمتع و حلق، منا است و حد منا از عقبه (و خود عقبه خارج از منا است) تا وادی محسر است. از این که وادی محسر را حد منا قرار داده ظهور در خروج وادی محسر از منا است. در حالی که ظاهر از کلمات بسیاری از علما این است که وادی محسر جزء منا است.»

و بدون شک حجاج می‌توانند بدون هیچ عسر و حرج و منع قانونی، در مسلخ‌های جدیدی که در وادی محسر ساخته شده قربانی کنند و امکان قربانی در وادی محسر طبق این نظر در حقیقت امکان قربانی در منا است.

رابعاً: مبتنی بر این است که اقریبیت به منا و اتصال به آن، بعد از تعدر ذبح در منا، خصوصیتی نداشته باشد و این مطلب ثابت نیست؛ زیرا محتمل است اقریبیت به منا در امر ذبح نقش داشته باشد، وقتی این احتمال داده شد، امر دایر می‌شود بین تعیین (وادی محسر) تخییر (میان وادی محسر

قربانی کنند و همچنین قسمتی از مسلخ‌های جدید نیز در «منا» واقع است.

ثانیاً: مبتنی بر این فرض است که بین روز دهم و روزهای یازده و دوازده از جهت ذبح در منا تفاوتی نباشد. اما اگر امکان داشته باشد که در روزهای بعد بدون عسر و حرج و منع قانونی در منا قربانی کند طبق نظر کسانی که تأخیر را خلاف احتیاط وجوبی می‌دانند وظیفه دارد تأخیر بیندازد؛ زیرا امر دایر است بین کنار رفتن احتیاط وجوبی (زمان ذبح از عید قربان تأخیر نیفتند) و کنار رفتن فتوای مسلم (که ذبح باید در منا واقع شود). روشن است که باید به خاطر رعایت فتوا، از احتیاط وجوبی دست بکشد. اما طبق نظر کسانی که صریحاً فتوا می‌دهند به عدم جواز تأخیر ذبح از روز عید امر دایر است میان دو فتوا یکی تعیین ذبح در روز عید قربان و دیگری تعیین ذبح در منا و فرض این است که جمع میان آن دو هم ممکن نیست و طبق صناعت باید قائل به تخییر باشیم نه سقوط تکلیف ذبح در منا.

ثالثاً: این دلیل مبتنی بر این است که وادی محسر جزء منا نباشد. در حالی که بعضی از فقها بر این باورند که وادی محسر جزء منا است و مرحوم شهید ثانی این

انجام بگیرد تا امکان خوردن خوراندن آن فراهم گردد.

این که فرمود: آیات و روایات اطلاق ندارد و منصرف است به قربانی‌هایی که مصرف می‌شود، ادعایی بیش نیست و ظاهر این است که خوردن و خوراندن گوشت قربانی در فرض وجوب، وجوب مستقلی است در کنار وجوب ذبح. بنابراین وجهی برای انصراف اطلاقات ادله و وجوب ذبح باقی نمی‌ماند وانگهی انصراف گسترده‌ای نیست و اسباب و عواملی دارد که هیچ کدام در اینجا نیست.

#### اما مسأله اسراف گوشت‌های قربانی:

اولاً: مبتنی بر این است که هیچ راهی برای جمع میان ذبح در منا یا مکانه‌ای متصل به منا و مصرف صحیح قربانی نباشد و این اول کلام است و در طرح‌های بعدی میان آن دو جمع شده است.

ثانیاً: مبتنی بر این است که به این قبیل کارها که شخص برای ادای تکلیف انجام می‌دهد و ممکن است ده‌ها حکمت دیگر غیر از مصرف گوشت قربانی در آن باشد و... اسراف صدق کند.

ثالثاً: بر فرض صدق اسراف ثابت

و سایر امکنه) و در دوران بین تعیین و تخییر، عقل حکم می‌کند به احتیاط و اخذ به آن فردی که احتمال تعیین را دارد؛ زیرا تنها در این صورت است که فراغ یقینی حاصل می‌شود.

خامساً: از ظاهر بعضی آیات هم تعیین امکنه متصل به منا قابل استفاده است؛ مثلاً در آیه: «وَالْبَدَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» قربانی را از شعائر الهی معرفی می‌کند. شعائر الهی معمولاً عبارت است از عباداتی که به صورت گروهی و دسته جمعی انجام می‌پذیرد؛ مثلاً نماز جماعت از شعائر الله شمرده شده اما نماز فرادا چنین نیست. این امر اقتضا دارد که قربانی‌ها در روز عید به صورت گروهی در مکان خاصی انجام پذیرد بنابراین فتوا به ذبح قربانی در وطن، این عمل بسیار مهم را از حالت شعائر الهی بودن خارج می‌سازد.

دیگر این که در ادامه آیه می‌فرماید: «فَإِذَا وَجِبَتْ جُنُوبُهُمْ فَكُلُوا مِنْهَا وَاطْعَمُوا الْقَانِعَ وَالْمَعْتَرَةَ»، معنایش این است که قربانی به گونه‌ای باشد که امکان خوراندن و خوردن خود حاجی وجود داشته باشد (به نحو وجوب یا استحباب) و این اقتضا می‌کند که ذبح اگر در خود منا هم امکان نداشت در خارج منا منتهی متصل به منا



حاضر قابل اجرا نیست؛ زیرا:

اولاً: اجرای این طرح منوط به وجود یک تشکیلات منظم است که ناظر به امر ذبح باشد تا بتواند اندازه مصرف روز عید را مشخص کند، از گوشت مازاد به طور کامل نگهداری نماید و... و راه اندازی چنین تشکیلاتی با چنین اختیارات و امکانات در حال حاضر یک ایده آل بیش نیست.

ثانیاً: این که فرمود: در صورت عدم امکان رعایت زمان و مکان قربانی و...، قربانی تبدیل به قیمت می شود، نیازمند به اثبات است و نویسنده محترم به اثبات آن نپرداخته است. طرح فوق ایرادهای دیگری هم دارد که برای رعایت اقتضای آنها صرف نظر می کنیم.

#### راه حل عملی و قابل اجرا:

راه حلی که هم قابل اجرا و هم از نظر شرعی کمترین محذور را دارد و عبارت است از ذبح در مسلخ‌های جدیدی که اخیراً به صورت مکانیزه توسط بانک توسعه اسلامی وابسته به کشورهای اسلامی و همکاری دولت عربستان تأسیس شده؛ زیرا:

اولاً: گوشت حاصل از قربانی در این مسلخ‌ها با وسائل پیشرفته بسته‌بندی شده

شود که این گونه اسرافها حرام است و از بعضی روایات استفاده می شود که اسراف در امر حج مبعوض شارع نیست. ابن ابی یعفور از امام صادق - ع - نقل می نماید که آن حضرت از پیامبر گرامی اسلام نقل نموده که فرمود:

«ما من نفقة أحب إلى الله عزوجل من نفقة قصد ويبغض الإسراف إلا في الحج والعمرة...»<sup>۳۶</sup>

#### راه حل پیشنهادی دیگر:

این راه حل به چند امر به ترتیب ذیل مبتنی است:

- ۱ - به اندازه مصرف روز عید قربانی شود.
- ۲ - بقیه در طول ذبحجه و در منا یا سراسر حرم، قربانی و تقسیم گردد.
- ۳ - اضافه مصرف ذبحجه در حرم در یخچالها و سردخانه‌ها به نفع فقرا نگهداری گردد.
- ۴ - در صورت عدم امکان زمانی و مکانی قربانی یا عدم امکان تقسیم یا نگهداری گوشتها پولهایش میان فقرای منا و در مرحله دوم فقرای حرم، از همان روز عید تا آخر ذبحجه تقسیم شود و مازاد آن به سایر فقرای مسلمان داده شود.<sup>۳۷</sup>

#### بررسی

این راه حل از چند جهت در حال

و برای نیازمندان کشورهای اسلامی ارسال می‌گردد.

**ثانیاً:** از نظر رعایت مکان ذبح این مسلخ‌ها، گر چه از بعضی مسلخ‌های دیگر دورتر است و لیکن در مجموع مسأله اتصال به منا و حفظ شعاریت قربانی در آن، محفوظ است.

**ثالثاً:** از نظر رعایت زمان ذبح: با هماهنگی قبلی امکان ذبح قربانی، در روز عید در این مسلخ‌ها فراهم است و شرط زمانی قربانی نیز رعایت می‌شود.

**رابعاً:** از جهت رعایت شرایط دیگر ذبح و قربانی نیز مشکلی وجود ندارد و با هماهنگی قبلی، رعایت همه شرایط ممکن است. به همین جهت در استفتایی که جناب حجة الاسلام و المسلمین سید علی

قاضی‌عسکر معاون آموزش و تحقیقات در بعثه مقام معظم رهبری از محضر آیات عظام مرحومان گلپایگانی و اراکی نمودند، هر دوی این بزرگواران فتوا به جواز ذبح در این مسلخ‌های مکانیزه داده‌اند. این نوشتار را با نقل فتوای این دو بزرگوار به پایان می‌بریم:

**آیت الله گلپایگانی:** «در فرض مسأله،

چنانچه سایر شرایط صحت ذبح در مذابح مذکور، محقق باشد رعایت اقریبیت به منا واجب نیست اگر چه اولی و مطابق احتیاط است.»

**آیت الله اراکی:** «ذبح در مسلخ‌های جدید التاسیس در فرض عدم امکان ذبح در منا در صورتی که شرایط شرعی ذبح رعایت شود مانعی ندارد، هر چند نسبت به سایر مسلخ‌ها از منا دورتر باشد و رعایت اقریبیت به منا لازم نیست.»

● پی‌نوشتها:

- ۱- بقره، آیه ۱۹۶
- ۲- المقنع فی الفقه، سلسله الینابیع، ج ۷، ص ۵۶
- ۳- المقنعة فی الفقه، سلسله الینابیع، ج ۷، ص ۸۱
- ۴- الکافی فی الفقه، سلسله الینابیع، ج ۷، ص ۱۶۱
- ۵- النهایة فی بحر الفقه والفتوی، ج ۷، ص ۲۰۰ و ۲۰۴
- ۶- السرائر، سلسله الینابیع، ج ۸، ص ۵۵
- ۷- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۰۱، (باب ۱۰، ابواب الذبح، حدیث ۵)
- ۸- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۹۲، باب ۴، ابواب الذبح، ج ۱
- ۹- همان، ج ۷، ص ۹۳



- ۱۰- همان.
- ۱۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۲۷، باب ۲۸، ابواب الذبیح، ح ۲
- ۱۲- همان، ج ۱۰، ص ۹۲، باب ۴، ابواب الذبیح، ح ۲
- ۱۳- بقره: ۱۹۶
- ۱۴- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۰۶، باب ۲، ابواب الاحصار و الصد، ح ۲
- ۱۵- تهذیب الاخبار فی شرح المقنعه للشیخ المفید، ج ۵، ص ۲۰۲، ح ۱۰، فی الذبیح، بیروت- دار صعب.
- ۱۶- مانند شیخ حسن صاحب جواهر، جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۱۲۱
- ۱۷- مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الأذهان، ج ۷، ص ۲۵۷، چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۸- ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، ص ۱۶۳
- ۱۹- مستند الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۲، ص ۲۵۹
- ۲۰- ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، ج ۱، ص ۶۶۳
- ۲۱- جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۱۲۱
- ۲۲- المقنعه فی الفقه، سلسله الینابیع، ج ۷، ص ۳۷
- ۲۳- الکافی فی الفقه، سلسله الینابیع، ج ۷، ص ۱۶۱
- ۲۴- النهایه، سلسله الینابیع، ج ۷، ص ۲۰۴
- ۲۵- المذهب فی الفقه، سلسله الینابیع، ج ۷، ص ۳۱۲
- ۲۶- الوسيله، سلسله الینابیع، ج ۸، ص ۴۴۳
- ۲۷- اصباح الشیعه، سلسله الینابیع، ص ۴۶۴
- ۲۸- حج: ۲۸- ۲۷
- ۲۹- الحج آیات ۳۶ و ۳۷
- ۳۰- مانند: ۹۷
- ۳۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۴۲، باب ۴۰، ابواب الذبیح، ح ۱
- ۳۲- همان، ص ۱۴۴، باب ۴۰، ح ۱۲
- ۳۳- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۴۷، باب ۴۰، ابواب الذبیح، ح ۲۲
- ۳۴- المعتمد فی شرح المناسک (کتاب الحج)، ج ۵، ص ۲۱۱ و ۲۱۲
- ۳۵- الروضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیه، ج ۲، ص ۳۰۰
- ۳۶- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۰۶، باب ۵۵، ابواب وجوب حج، ح ۱
- ۳۷- اسرار مناسک، ادله حج، محمد صادقی، ص ۳۸۴